

## بازچاپ فهرس خطی کتابخانه مجلس

برخی فهرست را کلید فرهنگ می‌دانند، یعنی اگر بخواهیم راهی به عالم دانش بگشاییم، باید از مسیری که اهل دانش نشان داده‌اند، وارد شویم. تهیه سیاهه‌ای از منابع اطلاعاتی در همه جا مرسوم بوده و هست و شاید تنها تفاوت اساسی این سیاهه‌برداری به شکل و نوع مواد اطلاعاتی بستگی داشته باشد. نسخه‌های خطی از آن دسته منابع دانش هستند که فهرست‌نویسی آنها، به دلیل منحصربه‌فردبودنشان، مضایق و ویژگی‌های خاص خود را دارد، و حتی پس از فهرست‌نویسی و چاپ هم کار تمام نمی‌شود و ضرورت‌هایی ایجاد می‌کند که به بازچاپ آنها اهتمام ورزید. نشست بازچاپ فهرس خطی کتابخانه مجلس به این صورت‌ها در یکی از کتابخانه‌های بزرگ کشور می‌پردازد تا راهی را که باید طی کرد و با نیازهای امروز جامعه اهل پژوهش هماهنگ شد، به صورت شفاف‌تر به ما نشان دهد.

### حاضران

احمد رضا رحیمی ریشه،  
پژوهشگر، مترجم و  
مدیر مؤسسه فهرستگان



ناصر گلپاز،  
پژوهشگر، برنامه‌نویس و  
مدیر مؤسسه دست‌نویس



ابوالفضل حافظیان بابلی،  
پژوهشگر، کتاب‌شناس،  
نسخه‌شناس، و فهرست‌نگار  
نسخه‌های خطی



احسان شکرالهی،  
مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل  
کتابخانه مجلس و دبیر جلسه





**شکرالهی:** در ابتدای جلسه از آقای حافظیان بابلی دعوت می‌کنم که دربارهٔ ضرورت فهرستنویسی و بازچاپ فهرس خطی و ضرورت این کار و نقاط مثبت و منفی آن صحبت کنند.

**حافظیان بابلی:** فهرست‌ها حلقهٔ اتصال میان میراث علمی و محققان هستند و آشنایی ما با اغلب کتاب‌ها و مؤلفان علوم مختلف به برکت همین فهرست‌ها برقرار شده است. کتابخانهٔ مجلس هم در زمینهٔ فهرستنگاری و معرفی کتاب‌های خطی توفیق خیلی خوبی در این مدت داشته و به‌خصوص مدیریت جدید کتابخانه کارهای خوبی را در پیش گرفته که یکی از آنها فهرستنگاری نسخه‌های فهرست‌نشده کتابخانهٔ مجلس است. بیش از ۱۲ هزار نسخهٔ خطی فهرست‌نشده در کتابخانهٔ مجلس باقی مانده است، که گرچه برای بخشی از این نسخه‌ها فهرست نام‌ها به‌صورت الفبایی منتشر شده، ولی ضرورت داشت که فهرست تفضیلی آن منتشر شود، که گروهی از فهرست‌نگاران مجرب دعوت شدند و مشغول هستند و امید می‌رود که ظرف یک یا دو سال نسخه‌های باقی‌مانده و فهرست‌نشده فهرست و منتشر شود. یکی از کارهایی که مدیریت جدید کتابخانهٔ مجلس می‌خواهد انجام دهد، چاپ فهرست‌های منتشرشدهٔ قبلی است. شاید از زمان انتشار نخستین فهرست کتابخانهٔ مجلس هفتاد یا هشتاد سال می‌گذرد. طبیعتاً در این مدت تمام نسخه‌های فهرست‌های مزبور تمام شده و موجود نیست. از این رو لازم است که این فهرست‌ها دوباره منتشر شود تا در دسترس کاربران قرارگیرد.

**تهیهٔ سیاهه‌ای از منابع اطلاعاتی در همه جا مرسوم بوده و هست و شاید تنها تفاوت اساسی این سیاهه‌برداری به شکل و نوع مواد اطلاعاتی بستگی داشته باشد**

اما در این تجدید چاپ چند چیز باید رعایت شود. یکی اینکه کار برای کاربران آسان‌تر شود و مشکلات جدیدی اضافه نشود که باعث سردرگمی کاربران گردد. دیگر اینکه مجموعهٔ فهرسی که کتابخانهٔ مجلس چاپ کرده یک نمایه کلی ندارد. من از دست‌اندرکاران چاپ فهرس این سؤال را دارم که آیا برای نمایهٔ کلی این فهرس تدبیری اندیشیده شده است. کاربر اگر بخواهد دنبال عنوانی بگردد و ببیند که آیا در کتابخانهٔ مجلس وجود دارد یا خیر؟ باید به تمام مجله‌های فهرست مراجعه کند و ببیند که عنوان موردنظرش در کتابخانهٔ مجلس نسخه‌ای هست یا خیر. البته این کار با مراجعه به برنامهٔ رایانه‌ای کتابخانه قابل پی‌گیری است. یکی دیگر از نکاتی که در فهرستنگاری قابل توجه است این است که فهرست‌ها چند تنظیم دارند؛ یکی از



باشد. چند گروه آمدند و فهرست‌ها را به نام خود چاپ کردند. الآن هم که یک گروه هفت یا هشت نفری، مشغول فهرست‌نگاری هستند. نگرانی جدی که در بین این گروه وجود دارد، این است که هریک از ما که در چاپ جدید فهرس یک یا دو جلد فهرست را برعهده گرفتیم، ممکن است کار چند نفر در کنار هم در یک جلد قرار گیرد، که به استقلال و حق معنوی فهرست‌نگاران لطمه وارد می‌کند. فهرست‌نگارانی که در اینجا مشغول کارند، غالباً از قم آمدند و زحمت مضاعفی را متقبل می‌شوند که در ظرف یک یا دو سال یک یا دو جلد فهرست به نام خودشان منتشر شود، و یک کارنامه علمی از آنها به‌جا بماند، اما بامدیریت آقای گل‌باز کار چند نفر از فهرست‌نگاران در یک فهرست قرار می‌گیرد و در حد یک مقاله به‌حساب می‌آید.

جا دارد به موردی اشاره کنم و آن اصلاحاتی است که در فهرست‌ها انجام شده است، با آنها چه کار می‌کنند، به هر حال این ۳۵ جلد فهرستی که چاپ شده، اشتباهاتی در آنها بوده و خود فهرست‌نگاران آنها را بازبینی و اصلاح کردند، این اصلاحات را چگونه می‌خواهند پیاده کنند. پیاده کردن این اصلاحات تخصص مضاعفی می‌خواهد تا دوباره اشتباه جدید در آن ایجاد نشود. من با استاد حائری هم درباره این موضوع صحبت کردم. ایشان معتقد است که برخی از جلدها نیاز به بازبینی و اصلاح بیشتری دارد. اگر ما بخواهیم یک غلط را دوباره چاپ کنیم، کار زیادی نکردیم.

**شکر الهی:** یک نکته‌ای هم که استاد حائری بارها فرمود و همه ما باید به فرموده ایشان اهتمام کنیم، این است که مجموعه‌ها غالباً با عنوان مجموعه و جنگ تألیف می‌شود. در صورتی که محتوای این مجموعه‌ها و جنگ‌ها خیلی مهم است که شناسانده شود. در نوبت بعدی آقای حافظیان بابل درباره این بیشتر صحبت می‌کنند و برای اینکه ارتباط موضوعی هم حفظ شود، از آقای رحیمی ریشه می‌خواهم درباره نکات و ضرورت‌های ویرایشی فهرس و ترتیب و تنظیم فهرس

تنظیمات این است که به ترتیب شماره مخزن از شماره یک تا بی‌نهایت پیش می‌رود و نسخه‌ها را معرفی می‌کند. در برخی از مجلدات فهرست کتابخانه مجلس این تنظیمات رعایت شده است. روش دیگر روش موضوعی است. گاهی نسخه‌ها را تقسیم‌بندی موضوعی کرده و به ترتیب موضوعی نسخه‌ها را معرفی می‌کنند. مثلاً همه نسخه‌های مربوط به حدیث در یک بخش و همه نسخه‌های مربوط به تفسیر در بخش دیگری معرفی می‌شود. در فهرست‌های مجلس یک بخشی از این مجلدات به صورت موضوعی تنظیم شده است. شیوه تنظیم فهرست، تنظیم الفبایی است که کتاب‌ها را به ترتیب الفبایی آنها از الف تا ی معرفی می‌کنند. در بخشی از فهرست‌های مجلس علاوه بر تنظیم موضوعی، تنظیم الفبایی هم در آن رعایت شده است. حال مشکل اینجاست که در این بازچاپ اگر بخواهند ترتیب خاصی را ملاک قرار دهند، یعنی بگویند ما در این بازچاپ همه نسخه‌ها را به ترتیب شماره تنظیم می‌کنیم، در این صورت ترتیب‌هایی که در مجلدات قبلی فهرس بوده، به هم می‌ریزد و باعث سردرگمی کاربران می‌شود. برای مثال من نمونه‌ای دیدم که مثلاً در جلد پنجم ترتیبی که قبلاً رعایت شده، ترتیب موضوعی بوده و در موضوع هم ترتیب الفبایی بوده است، اما در این بازچاپ ترتیب موضوعی را رعایت کردند و ترتیب الفبایی را به هم زدند. به هر حال مشکلات زیادی فراروی کسانی است که می‌خواهند این فهرست‌ها را با حروف چینی و صفحه‌آرایی نو تجدید چاپ کنند. من فکر می‌کنم که باید بسیاری از ظرافت‌ها را مراعات کنند که کار شناسایی نسخه‌ها و ترتیب اصلی فهرست‌ها را مشکل‌تر نکند.

ریزشدن حروف خودش یک مشکل است، البته بعضی این را برای فهرست‌ها یک مزیت می‌دانند و نظر آنها این است که کتاب‌های مرجع باید با حروف ریز چاپ شوند. در حال حاضر بسیاری از فهرست‌هایی که کشورهای عربی چاپ می‌کنند با حروف بزرگ و سطرهای باز هستند. شاید آنها فکر نمی‌کنند که در این کار اسراف وجود دارد و حتماً یک فکری پشت آن وجود دارد. ما نمی‌گوییم به همان شکلی که در کشورهای عربی چاپ می‌شود، چاپ کنیم. اما اگر فشرده هم شود، کاربر را با مشکل روبه‌رو می‌کند.

مطلب دیگری که باید در بازچاپ فهرس نسبت به آن دقت شود، این است که هر جلد فهرست را یک فهرست‌نگار می‌نویسد. ما در کتابخانه مجلس یک فهرست‌نگار ثابت نداشتیم که مثلاً سی یا چهل جلد فهرست تألیف یک نفر

**حافظیان بابل:**  
**فهرست‌ها حلقه**  
**اتصال تأملی میان**  
**میراث علمی و محققان**  
**هستند و آشنایی ما**  
**با اغلب کتاب‌ها و**  
**مؤلفان علوم مختلف**  
**به برکت همین**  
**فهرست‌ها برقرار**  
**شده است**

**رحیمی‌ریسه:**

**تصور من بر این است که اگر قرار باشد که همین فهرست موجود را با تجدید حروفچینی، ویرایش ادبی معمولی و کم‌کردن حجم، دوباره چاپ کنیم غیر از اتلاف سرمایه حاصل دیگری ندارد**

دیدگاه‌هایشان را بیان کنند.

رحیمی‌ریسه: در ضرورت بازچاپ این فهرس هیچ شکی نیست. تصور من بر این است که اگر قرار باشد که همین فهرست موجود را با تجدید حروفچینی، ویرایش ادبی معمولی و کم‌کردن حجم، دوباره چاپ کنیم غیر از اتلاف سرمایه حاصل دیگری ندارد. می‌توانیم اصلاحات اندک را در یک جلد ضمیمه کرد و آن مجموعه را هم در یک فایل پی. دی. اف در یک دی. وی. دی منتشر کرد. ولی اگر قرار است اختصاصاً درباره کتابخانه مجلس کار اساسی شود، نظر من بر این است که مجموعه‌ای که ته آن باز است، یعنی هنوز به آن نسخه اضافه می‌شود و قرار نیست این اضافه‌شدن نسخه متوقف شود، تنظیم این مجموعه به‌صورت الفبایی یا موضوعی هیچ معنایی ندارد. روشی که در کشورهای دیگر مرسوم است و در ایران هم برخی از کتابخانه‌ها، مانند کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی، رعایت می‌کنند مجموعه‌ای باز است و هنوز به آن نسخه اضافه می‌شود. به‌نظر من باید توپوگرافیک باشد، بدین معنا که نسخه به‌ترتیب ورودش به مجموعه معرفی شود و برای هر ده یا بیست جلد یک نمایه درهم‌کرد داشته باشد. در کتابخانه مجلس تا الآن حدود ۳۷ جلد فهرست منتشر شده است. در اینجا چه کار باید کرد؟ به‌نظر من راه‌حل این است که نسخه‌ها را به‌ترتیب ورودش به مجموعه تنظیم کنیم، یعنی تمام این ۳۷ جلد را به هم بزنیم و همه اینها را توپوگرافیک تنظیم کنیم. کنار معرفی هر نسخه هم داخل گروه می‌توانیم آدرس جلد و صفحه چاپ قبلی را بدهیم، و حتی می‌توانیم نام فهرست‌نگاری که این نسخه را فهرست‌نگاری کرده است، ذکر کنیم. کار دیگری که باید انجام داد این است که کاربرگه کاملی تکمیل شود و تمام مشخصات نسخه‌ها از روی فهرست به کاربرگه منتقل شود. البته زمان‌بر و هزینه‌بر است. قاعدتاً برخی از معرفی‌ها یک‌سوم آن کاربرگه را معرفی می‌کند، برخی دوسوم و برخی ممکن است تمام آن کاربرگه را پر کند، و بعد آن کاربرگه‌ها به فهرست‌نگاران جوان و با همت مثل آقای حافظیان بابتی

و دیگرانی که از قم می‌آیند منتقل شود تا اینها تکمیل شود. بنا نیست من که الآن دارم فهرستی را به‌عنوان بازچاپ و تجدید ویرایش شده می‌خرم، اطلاعات آن در حد اطلاعاتی باشد که ۸۳ سال قبل مرحوم اعتصام‌الملک آورده است. اگر قرار باشد به این شکل باشد، از همان نسخه استفاده می‌کنم، چه لزومی دارد نسخه جدید را تهیه کنم. به‌اعتقاد من اگر کار اینگونه انجام شود، یک کار ماندنی خواهد بود و همچنین برای کتابخانه مجلس و مملکت آبرمند خواهد بود.

در بازچاپ به نکته دیگری که باید توجه شود، شماره‌های نسخه‌هاست. در حال حاضر هر جلد از فهرست کتابخانه مجلس به‌شیوه خاصی به شماره نسخه ارجاع داده است، برای مثال در دو جلد مربوط به کتابخانه سنا، نخست کتاب‌شناسی بعد شماره نسخه آمده و بعد از آن نسخه‌شناسی آمده است. صفحه اول فهرست را که باز می‌کنید، مشکلی به‌وجود نمی‌آید، ولی فهرست را از وسط که باز کنید، در صفحه کتاب‌شناسی، شماره نسخه و نسخه‌شناسی هم وجود دارد.

**شکرالهی:** اکثر فهرست‌ها به این شکل است که با شماره شروع می‌شود و بعد کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی می‌آید. اما در برخی از مجله‌های فهرست کتابخانه مجلس همین نکته‌ای که مطرح شد، رخ نداده است. اجازه می‌خواهم توضیحی عرض کنم. اصولاً فهرست‌نویسی در ایران با یک آزمون و خطایی انجام شده است، یعنی اینکه آیا در تنظیم اطلاعات فهرست، اول نسخه‌شناسی باشد بعد کتاب‌شناسی یا اینکه ترتیب موضوعی داشته باشد یا به‌ترتیب توپوگرافی باشد، یا اینکه محل نوشتن شماره نسخه کجا باشد، آیا نسخه جزء عناصر کتاب‌شناسی است که ابتدای کتاب‌شناسی بیاید یا جزء عناصر نسخه‌شناسی است که ابتدای نسخه‌شناسی بیاید. اینها موجب شده است که فهرست‌نویس‌ها به شکل‌های مختلف کار کردند و امروز من فکر می‌کنم دیدگاه آقای رحیمی‌ریسه را خیلی باید جدی گرفت، یعنی یک‌دست کردن فهرست‌ها برای جلوگیری از سردرگمی کسانی که از فهرست‌ها استفاده می‌کنند بسیار مهم است، اما رعایت حقوق مؤلفان هم همان‌طور که آقای حافظیان بابتی فرمود به همان درجه اهمیت دارد.

رحیمی‌ریسه: حال چه اتفاقی در این نوع شماره‌گذاری مجلس سنا و بقیه مجله‌های کتابخانه مجلس افتاده است.

**شکرالهی:**

**اکثر فهرست‌ها با شماره شروع می‌شود و بعد کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی می‌آید. اما در برخی از مجله‌های فهرست کتابخانه مجلس همین نکته‌ای که مطرح شد، رخ نداده است**



متخصص نسخه‌های تاریخی ما هستند. وی نسخه ۲۲۶ سنا را که ترجمه تحریر خواجه نصیر از قطب‌الدین است، به تفصیل به انگلیسی معرفی کرده و همه شماره‌های نسخه را ۲۲۷ داده است. فیلم هم در اختیار او بوده است، ولی ظاهراً به شخصی گفته که معرفی نسخه را از فهرست برای من بفرست. آن شخص هم آن صفحه را برای او کپی کرده و فرستاده و متوجه نشده است در آن مجلد و در آن پنجاه صفحه هر جا به این نسخه ارجاع داده، یک شماره اشتباه است.

**شکرا الهی:** آقای گلپاز برای اینکه این بازچاپ با کمترین مشکل مواجه شود، چه طرحی را اجرا کردید؟

**رحیمی‌ریسه:**  
در حال حاضر تمام شماره‌های نسخه‌هایی که از سنا، مجلس و فهرست آقای سزگین معرفی شده، اشتباه هستند. یعنی سزگین وسط نسخه را باز کرده و نسخه ۵۴۵ را به عنوان شماره ۵۴۵ آورده است. یعنی تمام ارجاعات سزگین به سنا در آن ۱۳ جلد آلمانی و ۱۲ جلد عربی و چهار جلد فارسی که تاکنون منتشر شده، اشتباه است. من هم در ترجمه فارسی متوجه نشدم و حدود یک سال پیش متوجه شدم و از جلد پنجم به بعد داریم شماره‌ها را درست می‌کنیم.

**گلپاز:** ابتدا گزارشی از نحوه و روش کار بازچاپ عرض می‌کنم. دقیقاً نکته‌های طرح‌شده از سوی آقایان رحیمی و حافظیان بابلی، مشکلاتی‌اند که در تعدد روش‌های فهرست‌نویسی در فهرست‌های مجلس طی دهه‌های گذشته، بر ضرورت بازچاپ تأکید می‌کند. مستشرقان و محققان خارجی اکراه دارند و خیلی کم به نسخه‌های ما استناد می‌کنند، همین چند نسخه هم که مراجعه کردند، اشتباه بوده است. تفاوت شماره و اشکالی که در شماره‌گذاری هست، نداشتن نمایه، تعدد روش‌ها، استدراکات مختلف، همگی دلایلی برای ضرورت بازچاپ هستند. آقای رحیمی فرمودند که با یک پی. دی. اف مسئله می‌تواند حل شود، در صورتی که این طور نیست. طبق آماری که گرفتم نزدیک به ۲۵ فهرست‌نویس از ابتدا تاکنون

در حال حاضر تمام شماره‌های نسخه‌هایی که از سنا، مجلس و فهرست آقای سزگین معرفی شده، اشتباه هستند. یعنی سزگین وسط نسخه را باز کرده و نسخه ۵۴۵ را به عنوان شماره ۵۴۵ آورده است. یعنی تمام ارجاعات سزگین به سنا در آن ۱۳ جلد آلمانی و ۱۲ جلد عربی و چهار جلد فارسی که تاکنون منتشر شده، اشتباه است. من هم در ترجمه فارسی متوجه نشدم و حدود یک سال پیش متوجه شدم و از جلد پنجم به بعد داریم شماره‌ها را درست می‌کنیم.

**شکرا الهی:** البته فکر می‌کنم از جلد دوم سنا اینگونه است.

رحیمی‌ریسه: خیر هر دو جلد اینگونه است. آقای دیوید کینگ



## گلباز: مستشرقان و محققان خارجی اکراه دارند و خیلی کم به نسخه‌های ما استناد می‌کنند

**گلباز:**  
فهرست‌نویسی از  
زمان ورودش به  
ایران گریته‌برداری از  
مستشرقان بوده و در  
اینجا سبک و سیاق  
داخلی و ایرانی هم به  
خود گرفته است

**گلباز:** آقای حافظیان بابلی فرمودند ترتیب به هم خورده است، باید بگویم که ترتیب یک‌دست شده و به هم نخورده است. تنظیم موضوعی حذف شده و رساله‌هایی که ذیل یک مجموعه بوده، چون مجموعه هویت مستقلی دارد این هویت به هم خورده بود و هر رساله ذیل یک بحث موضوعی رفته بود، اینها ذیل مجموعه خودش جمع شده و همان شماره ترتیب را خورده است. اینکه فرمودند شماره ترتیب‌ها به هم خورده است، باید بگویم که اینطور نیست. قبلاً چون تعداد نسخه‌ها در مجلس کم بوده، ابتدا نسخه‌هایی را که می‌خواستند براساس موضوع فهرست کنند، کنار هم می‌گذاشتند و بعد شماره ردیف می‌خورد، یعنی شماره ردیف‌ها مرتب است و ما براساس شماره ردیف آنها را یک‌دست کردیم.

اگر فرصت شود من خلاصه‌ای از مراحل کاری که روی یک‌دست‌سازی انجام می‌شود، عرض کنم. ما در مرحله اول بحث اعمال استدراکات را داریم. استاد حائری در طول این پنجاه و اندی سال به دلیل همان مسائلی که بخشی از نسخه‌ها موضوعی و الفبایی بوده است، استدراکات زیادی روی فهرست‌های قبلی داشتند. یک بخش از استدراکات چاپ نشده بود و در کناره و حاشیه فهرستی که دست خود استاد بود، موجود بود که آنها را هم با کمک خانم صیدیه استخراج کردیم و در تنظیم جدید اعمال کردیم. بحث اعمال استدراکات یکی از ضرورت‌های بازچاپ است. در واقع وقتی یک مجموعه بعد از قریب هفتاد سال می‌خواهد یک‌دست شود، دقیقاً باید تمام آن بازبینی‌ها اعمال و دیده شود. در بخش ویرایش مقدماتی، ویراستار کاری که روی متن انجام می‌دهد، این است که متن را چه به لحاظ علائم نقطه‌گذاری و چه به لحاظ یک‌دست‌کردن نثر آن خواندنی‌تر و برای فهمیدن آسان‌تر می‌کند. ما متن خیلی پیچیده‌ای نداریم، فقط می‌خواهیم کار برای کاربران آسان‌تر شود. افرادی که زیر نظر استاد افشار و مرحوم دانش‌پژوه فهرست‌نویسی کردند، هشت نفر بودند و شش مجلد درآوردند. این گروه هشت‌نفره با هشت روش مختلف فهرست‌نویسی کردند، ولی آن مجموعه فهرست‌شده

در فهرست‌های مجلس حضور داشتند. این کار جمعی که در حال حاضر انجام می‌شود، برای فهرست‌کردن نسخه‌هایی است که فهرست نشده است. خوشبختانه با مدیریت جدید حرکت‌هایی که در کتابخانه مجلس انجام می‌شود - یعنی بازچاپ، فهرست‌کردن و اسکن‌کردن نسخه‌های خطی که به مراتب اهمیت خیلی زیادی دارد - شتاب دو چندان گرفته و جای شکرگزاری دارد. کاری که در حال انجام است با مشورت اهل فن و کسانی که خودشان کاربر فهرست‌ها بودند، صورت گرفته است. یک‌دست‌سازی یکی از دغدغه‌های ذهنی ما از ابتدا بود. اگر ما هدف اصلی را از نوشتن فهرست، معرفی یک نسخه خطی و نه یک مقاله علمی در کوتاه‌ترین متن ممکن به یک محقق در نظر بگیریم، دیگر به مسائلی مانند اینکه اگر اشکالی در این فهرست هست، ممکن است فهرست‌نویس پنجاه سال پیش یک دیدی داشته و الآن دید دیگری دارد، بر نخواهیم خورد. مطلبی که می‌فرمایند اطلاعات طی هشتاد سال تغییر کرده برای تمام فهرست‌ها هست. آیا این منطقی است که وقتی بیشتر از نیمی از نسخه‌های خطی ما معرفی نشده و در مخزن خاک می‌خورند، نسخه‌های قبلی را که معرفی شده‌اند از نو معرفی کنیم. ما یک جمع‌بندی کردیم و دیدیم می‌توانیم یک راه میانه را در نظر بگیریم که در این راه هم فهرستی که هشتاد سال پیش نوشته شده و هم فهرستی که الآن در حال نوشتن است، معرفی کنیم. فهرست‌نویسی از زمان ورودش به ایران یک گریته‌برداری از مستشرقان بوده و در اینجا سبک و سیاق داخلی و ایرانی هم به خود گرفته است. همان‌طور که گفته شد، ساختار آن با شماره ردیف در مخزن شروع می‌شود و بهترین روش هم این است که از ابتدا تا انتها به‌ترتیبی که نسخه‌ها حضور دارد و در قفسه چیده شده انجام شود. ترتیب موضوعی و الفبایی هم مشکلات خودش را دارد که اشاره شد و با توجه به اضافه‌شدن نسخه‌ها به هیچ‌وجه منطقی نیست. فهرست‌نویسی از سال ۱۳۰۵ در ایران شروع شده و الآن به یک اجماع رسیده است، و اگر به فهرست‌هایی که در سال ۸۸ در نمایشگاه کتاب هستند، نگاه کنید می‌بینید که به یک‌دستی رسیده است و همه به این نتیجه رسیدند که ترتیب فهرست براساس شماره ردیف منطقی‌تر و بهتر است.

**شکرالهی:** البته هنوز در برخی کتابخانه‌ها، از جمله کتابخانه بزرگ و مهمی چون آستان قدس رضوی، فهرست موضوعی هم منتشر می‌شود.

**شکرالهی:**  
**فهرست نویسی که نکته**  
**تازه‌ای را کشف می‌کند**  
**باید خیالش راحت باشد**  
**که این کشف به نام او**  
**ثبت می‌شود**

فهرست‌ها مراجعه می‌کند، می‌خواهد عناوین را سریع ببیند و بتواند آن موردی را که می‌خواهد سریع پیدا کند، ما شماره‌ها، نام کتاب، نام مؤلف، حتی نام کاتب و محل کتابت، آغاز و انجام را سیاه شده با قلم درشت‌تر می‌آوریم که در ابتدا آنها دیده می‌شود. آنهایی که فرمودند ریز هستند، مراجعه‌کننده در مرحله دوم و سوم به آن مراجعه می‌کند. حتی کتاب‌هایی را که در فهرست به آنها اشاره شده است، به‌صورت قلم خمیده یا ایرائیک آوریم و سیاه کردیم که مشخص باشد. در بخش‌بندی‌ها عناوینی مثل تمهید، لمعه، لمحہ، قطره، بحر و جدول و چیزهایی که مرسوم بوده، کتاب را به این وسیله تقسیم می‌کردند. حتی هر جا دیدیم نکته خیلی مهمی هست برای بازیابی یک نسخه آنها را هم سیاه کردیم که در وهله اول مراجعه‌کننده به این نکته‌هایی که محصول زحمت فهرست‌نگار است، توجه کند. نکته مهم دیگر بحث تصاویر است که اینجا اضافه می‌شود.

ما درباره ضرورت بازچاپ صحبت می‌کنیم و می‌خواهیم ببینیم که این چاپ جدید نسبت به قبل چه ویژگی‌هایی دارد که یک مورد آن تصاویر نمونه و با کیفیت عالی است، یعنی از خطوط برجسته، مهرها، اجازها و هر چیز برجسته‌ای که در نسخه‌ها وجود دارد، تصویر با کیفیت عالی بگیرند و در کنار متن نسخه، تصویر صفحات برجسته و مهم نسخه هم دیده شود. ما یک ماکت اولیه تهیه می‌کنیم که یک بخش از این ماکت تهیه شده است که در اختیار بخش مخزن قرار می‌گیرد و بخشی از آن هم در اختیار ماست، و روی این ماکت اصلاحات در مرحله دوم و سوم و حتی گاهی پنجم صورت می‌گیرد. بحث دیگر معادل‌سازی جلد و صفحه چاپ جدید با چاپ قدیم است. برای اینکه کسانی که دوره قدیم را دارند، دوره آنها بلااستفاده نشود، ما مشخص می‌کنیم که این نسخه در دوره قدیم در چه جلدی و در چه صفحه‌ای بوده است.

**شکرالهی:** یعنی اگر کسی نمایه این مجموعه ۱۵ جلدی و دوره کامل چاپ قبلی را داشته باشد، می‌تواند نیاز خود را برآورده کند. فقط استدراکات و اصلاحات آن در دسترس فرد وجود ندارد.

**گلپاز:** نمایه هم یکی از بخش‌های مهم و سخت کار ماست، و از ابتدا هم آقای دکتر جعفریان به اهمیت آن واقف بوده و تأکید می‌کردند. ما می‌دانستیم که اصولاً فهرست بدون نمایه و بدون نمایه‌های متنوع قابل استفاده نیست، مخصوصاً

توسط یک نفر یعنی آقای احمد منزوی تحریر شده و بدین ترتیب یک‌دست شده و حقوق معنوی فهرست‌نگاران هم رعایت شده است و اسامی و تعداد نسخه‌های آنها را آقای افشار آورده است. فهرست، رمان یا متنی ادبی برای خواندن و لذت ادبی بردن نیست، بلکه متنی برای مراجعه است، پس باید براساس روش استاندارد و مورداتفاق عمل کرد. کاری که ما انجام می‌دهیم، یک‌دست کردن آنها و در مرحله دوم چیدمان کتاب‌شناسی است.

**شکرالهی:** درست است که فهرست یک رمان نیست، اما خیلی مهم است. فهرست نویسی که نکته تازه‌ای را کشف می‌کند باید خیالش راحت باشد که این کشف به نام او ثبت می‌شود. ما دنبال این نیستیم که فرض کنید یک نثر آهنگین زیبایی را کسی بداند که از کیست، بلکه بحث یافته‌ها و کشف‌هاست. استاد حائری در عالم فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی سعی کرده‌اند اگر شده حتی یک نسخه را دو سال معطل کنند ولی آن را بدون نام مؤلف و بدون تاریخ تألیف و بدون اطلاعات دقیق کتاب‌شناسی معرفی نکنند.

**گلپاز:** اینها در بازچاپ دست نمی‌خورد. در ابتدای هر کتاب صفحه سفیدی باز می‌شود و نام و مشخصات کامل فهرست‌نگار آورده می‌شود و صفحه بعد شروع فهرست اوست. مثلاً فرض کنید چهارصد نسخه دارند. این چهارصد نسخه پیوسته هستند و لابه‌لای هم نیست و هیچ چیز درهم نیست، نهایتاً دو نفر فهرست‌نویس یک مجلد را دارند. حتی ما یک برگ رنگی در نظر گرفتیم که حائل بین بخش اول و دوم باشد. مثلاً فهرستی هست که یک بخش آن مربوط به مرحوم سعید نفیسی است و بخش دیگر آن مربوط به آقای حائری است. ما بین این دو بخش حائل قرار دادیم. فهرست کتابی است برای مراجعه، و الآن روش‌های حروف‌چینی و چیدمان این مشخصات پیشرفت کرده و دیگر حروف‌چینی سربی نیست که مشکلات قدیم را داشته باشد. کسی که به



**حافظیان بابلی:**  
**فهرست نگاران ایرانی**  
**سهام بسزایی در نهضت**  
**نسخه‌پژوهی در عالم**  
**دارند. دست‌کم ده درصد**  
**نسخه‌های چاپ‌شده در**  
**دنیا در ایران چاپ**  
**شده است**

شخصی منابع اختصارات خود را می‌دانسته است. با توجه به گذشت سال‌ها ما این منابع را از ابتدا تا انتها و نوع ارجاع به منابع را یک‌دست کردیم و سعی کردیم که روش ما به روش دایرةالمعارفی نزدیک شود. ادعای خاصی نداریم، ولی بحث اعتدال را در نظر گرفتیم و ارجاع‌دادن به همان منابعی را که در فهرست اشاره شده بود، به روشی یکسان درآوردیم.

**حافظیان بابلی:** با توضیحات آقای گل‌باز بنده متوجه شدم که ایشان بر کار اشراف دارد و به ظرایف کار آشناست. اما کار طوری است که با همه اشراف بر کار باز هم احتمال نقص و خطا در آن وجود دارد. مثلاً ایشان فرمودند نشانی فهرست‌های قدیم را در فهرست جدید آورده‌اند، ولی این دو جلدی که برای نمونه ارائه دادند، من نشانی را در حاشیه صفحات ندیدم.

نکته‌ای را که درباره حق معنوی عرض کردم، شائبه‌ای ایجاد نکند. کار با نسخه‌های خطی تنها با انگیزه علمی و فرهنگ‌دوستی انجام می‌شود، ما استادانی داشتیم که عمر خود را در این راه گذاشتند، مثل مرحوم استاد سیدعبدالعزیز طباطبایی، استاد حائری و مرحوم دانش‌پژوه. این افراد یک عمر با این مسئله سروکار داشتند و تمام ذوق، هنر، دانایی و توانایی خود را در این مسیر به کار بستند. به هر حال فهرست‌نگاران ایرانی سهم بسزایی در نهضت نسخه‌پژوهی در عالم دارند. دست‌کم ده درصد نسخه‌های چاپ‌شده در دنیا در ایران چاپ شده است. فهرست‌نگاری مثل آقای دانش‌پژوه نزدیک به صدهزار نسخه خطی را در دنیا فهرست کرده است. این انگیزه‌ها باید مدنظر قرار گیرد و اگر ما گفتیم حق معنوی باید حفظ شود، کسی غرض شخصی ندارد. ما می‌خواهیم با این کار روند علمی ادامه پیدا کند و افرادی هم به این رشته جذب شوند و رغبت داشته باشند تا در این رشته کار کنند.

**شکرالهی:** خوشبختانه در این دو دهه اخیر اقبال به فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی به قدری بوده که من فکر

وقتی مجلدات آن زیاد باشد، پیدا کردن یک مورد در همه آنها غیر ممکن است. این نمایه‌ها شامل نام کتاب، مؤلف، آغازها، نام کاتب، مکان کتابت و به‌طور کلی عناوین بخش هستند. ممکن است نسخه‌ای آغاز و انجامش افتاده باشد، ولی عناوین آن نشان‌دهنده محتوای نسخه است. ما علاوه بر نمایه عناوین، نمایه‌های متنوع دیگری را هم خواهیم آورد که شامل نمایه موضوع، نمایه اشخاصی که به نام آنها اشاره شده - مثل مالکان و کسانی که در کناره‌ها و حاشیه‌ها یادداشت نوشته‌اند و در برافزوده‌ها نام آنها برده شده - مهدی‌الیه‌ها و نمایه کتاب‌هایی غیر از خود نسخه که موقع معرفی نسخه معرفی شده‌اند. نمایه سجع مهرها یکی دیگر از نمایه‌های ماست که البته انجام آن کار شاقی است. بحث مقابله با مخزن برای ما یکی از بحث‌های خیلی مهم بوده چون ما به مخزن دسترسی نداریم، با همکاران بخش نسخه‌های خطی صحبت کردیم که آنها با روی باز پذیرا بودند. فهرست‌های چاپ سربی مملو از اغلاط مطبعی است و خیلی وقت‌ها در شماره‌ها اتفاق افتاده است. ما علاوه بر اینکه استدراکات را اعمال کردیم، باز مشکلات چاپی و مشکلاتی وجود داشت که نشانگر عدم هماهنگی شماره با مخزن بود. در نهایت با مقابله ماکتی که با نسخه‌ای که در مخزن وجود دارد، انجام شد، این مسئله برای همیشه حل شد.

نکته‌ای هم درباره شماره ردیف بگویم. ما در کتابخانه مجلس با تکرار شماره‌ها مواجه هستیم، زیرا مجموعه‌های خصوصی به کتابخانه اهدا شده و مجموعه‌های خصوصی را مجدد از یک تا مثلاً هفتصد شماره‌گذاری کردند. بدین ترتیب در مجموعه‌های اهدایی چندین شماره ۵۷۰ داریم و برای اینکه محل نسخه‌ها مشخص شود، کنار آن اسم مجموعه را می‌نویسند. شماره ثبت معمولاً در انتهای بخش نسخه‌شناسی می‌آید و خیلی به آن توجهی نمی‌شد، ولی به دلیل حل مسئله شماره‌های تکراری ما آن را به ابتدا منتقل کردیم که اصطلاحاً این شماره منحصر به فردی می‌شود و تکراری ندارد.

در بحثی اشاره شد که بخشی از نسخه‌شناسی بالا بود و کتاب‌شناسی پایین بود و شماره ردیف در وسط قرار داشت، همه اینها یک‌دست شده به طوری که شماره ردیف اول، بعد کتاب‌شناسی و بعد نسخه‌شناسی آمده است. در مجموعه‌ها ابتدا مجموعه و نسخه‌شناسی مجموعه در پایان آمده است. بخش نسخه‌شناسی هم با یک تورفتگی از کتاب‌شناسی متمایز شده است.

مورد دیگر یکسان‌سازی اختصارات بود. هر کس به سلیقه





سه شماره داریم؛ شماره ردیف، ثبت قدیم و ثبت جدید. من خودم وقتی می‌خواهم نسخه‌ای به کتابخانه سفارش دهم، هر سه شماره را می‌نویسم و برای اینکه اشتباه نشود، جلد و صفحه‌ای را هم که نسخه در آن معرفی شده است، می‌نویسم. من نمی‌دانم مخزن چگونه چیده شده است؟ آیا ملاک فقط شماره ردیف است؟

**شکرالهی:** من فکر می‌کنم حرف یا کد اختصاری هر مجموعه باعث می‌شود که شماره‌ها منحصر به فرد شود، مثلاً ۵۰۰ طباطبایی با ۵۰۰ خوبی و ۵۰۰ کریم‌زاده تبریزی هریک منحصر به فردند. درست است که رقم ۵۰۰ بین آنها مشترک است، اما هریک از آنها یک نشانه متفاوتی هم دارد یا باید داشته باشند. یعنی کسی که جلد ۱۸ رهی معیری را می‌بیند، فکر می‌کنم حداقل در فهرست دوره جدید باید اشاره شود که مثلاً این حرف «ر» یعنی مجموعه اهدایی رهی که این شماره را منحصر به فرد می‌کند.

**رحیمی‌ریسه:** می‌خواستم از این نکته استفاده‌ای کنم که اگر شماره ثبت قدیم و جدید الآن دیگر برای ارجاع کاربردی ندارد، این شماره می‌تواند در پایین قرار گیرد. البته آن شماره ردیف در وسط و بالای صفحه و سیاه‌شده باقی بماند. ولی شماره ثبت قدیم و جدید که الآن در جلوی عنوان آمده و جا را تنگ کرده و گاهی باعث شده عنوان دوخطی شود، می‌توان

می‌کنم در این دو دهه به اندازه شصت سال قبل از آن، کار فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی در کشور انجام شده است.

**گلپاز:** لازم است نکته‌ای را درباره حق معنوی عرض کنم. من درباره کار گروهی زمان آقای افشار، در خصوص نام‌هایی که در ابتدا آمده است، مثالی زدم. دیگر اینکه کدام نسخه را کدام فهرست‌نویس فهرست کرده، در جایی ذکر نشده و شش جلد درهم شده است. ولی در حال حاضر اینگونه نیست، یعنی چهارصد نسخه یک فهرست‌نویس در یکجا آمده است. در ابتدا هم در یک یا دو صفحه نام و مشخصات شخص آمده و بین این شخص و شخص دیگر نیز با حائل مشخص شده است. دلیل اینکه دو فهرست‌نگار در یک مجلد آمده، این است که نوع حروف چینی و ویرایش فهرست طوری است که اگر فهرست یک نفر به صورت مجزا چاپ می‌شد، فهرست او صدو پنجاه صفحه می‌شد. الآن که بین ششصد تا هفتصد صفحه می‌شود، اگر بخواهد چهارصد نسخه را فهرست کند، خودبه‌خود در کنار یک فهرست‌نویس دیگر قرار می‌گیرد و فقط به دلیل اینکه تعداد این مجلدات کم شود و از ۴۵ جلد به ۱۵ جلد برسد، این اتفاق افتاده است، و گرنه هیچ درهم‌کردی وجود ندارد و فقط به صورت فیزیکی با یک حائل در کنار هم هستند.

**رحیمی‌ریسه:** درباره این شماره‌ها بهتر است آن شماره‌هایی که در کتابخانه ملاک است سیاه شود و بالا بیاید. ما معمولاً

آن شماره ثبت قدیم و جدید را به پایین صفحه منتقل کرد و فضایی را که به دست می‌آید، به عنوان اختصاص دهیم.

**شکرالهی:** اگر کد هر مجموعه را کنار شماره بنویسیم، هم در منحصربه‌فردکردن و هم در کوتاه‌کردن شماره مؤثر است و هم از اینکه افراد این شماره‌های مختلف را اشتباه بگیرند، جلوگیری می‌کند. آقای دکتر جعفریان با توجه به اینکه یک دست‌سازای فهرست و رفع اغلاط آن مهم است، مثلاً فهرست‌نویسی شصت سال پیش نوشته که این تک نسخه موجود در عالم است، اما با فهرست‌های جدیدی که منتشر گردیده، معلوم شده است که بیست نسخه دیگر از آن هست. آیا شخصی برای کنترل این موارد و یک دست‌سازای در نظر گرفته شده است که بر این طرح نظارت کند یا این طرح یک طرح اجرایی بدون ناظر است.

**دکتر جعفریان (یکی از حاضران):** تقاضای من از آقای گلپاز این بود که کاری انجام دهند که کاربر راحت باشد و این مهم‌ترین کار است. یعنی با اولین نگاه متوجه این شود که شماره چیست، کاتب کیست و همچنین تاریخ نسخه را بفهمد، یعنی اگر خواست یک صفحه را نگاه کند، در سی تاییه بتواند ارکان نسخه‌شناسی و اطلاعات مربوط به نسخه را در ذهن خود بیاورد. شاید بهترین نکته همین بود که درباره آن صحبت شد که برای شماره ثبت فکری کنیم که واقعاً دغدغه ذهنی همه است، که این شماره چیست.

من فکر می‌کنم ما باید در چند مرحله کارها را انجام دهیم. اولین مرحله کار را آماده می‌کنیم. در کتابخانه مجلس سال هاست که می‌خواهند فهرست نشریات بنویسند، اما هنوز فهرست موضوعی ندارند. در حالی که می‌توانستند فهرست را مثلاً تا سال ۱۳۵۰ بنویسند و بقیه آن را بعد بنویسند. در این بخش هم همین‌طور است. آخرین کتابی که من نوشتم، ده بار چاپ شد و هشت بار اطلاعات آن را عوض کردم. اگر از اول به این اصلاحات فراوان فکر می‌کردم، باید دست نگه می‌داشتم. روش شهید مطهری هم اینگونه بود. خیلی از کتاب‌های چاپ اول ایشان با چاپ چهارم و پنجم آن متفاوت بود. ما می‌توانیم کارها را جلو ببریم و خواهش من از آقای رحیمی‌ریسه این است که این نصیحت را گوش دهند، بهتر است که هرچه زودتر این فهرست را چاپ کنند. حالا یک یا دو سال بعد نسخه‌هایی به آن اضافه شود.

نکته‌ای که شما پرسیدید به نظر من دو بخش است. یک

بخش یک دست‌سازای است که آقای گلپاز آن را به عهده دارند و حتی می‌تواند آن را به نمونه‌خوان‌هایشان توصیه کنند که بعد از عباراتی که شائبه این را دارد که مربوط به گذشته است، آنها را اگر قابل انتقال باشد، انجام می‌دهند، ولی یک بخشی هم باقی می‌ماند چراکه مثلاً نسخه‌ای مشخص می‌شود که مربوط به سعید نفیسی است و مربوط به سال ۱۳۳۰ می‌شود و کسانی که این فهرست‌ها را می‌بینند، معمولاً تا این اندازه توجه دارند که این متن متعلق به آن دوره است. در نسخه‌ها شائبه بسیاری وجود دارد که در حال رفع شدن هستند.

**شکرالهی:** یک غفلت نسبی که اتفاق افتاده مسئله مهرهاست که چه نقشی در تاریخ و شناسایی تاریخ نسخه‌ها و همچنین تاریخ کتابت و تاریخ تملیک آنها دارد؟ از آقای محمدجواد جدی که متخصص این رشته هستند، می‌خواهم درباره اهمیت نقش مهرها داخل نسخه‌های خطی صحبت کنند.

**جدی (یکی از حاضران):** کسانی که در فهرست‌نویسی نسخه‌ها فعالیت می‌کنند، از نقش مهرها به خوبی آگاه هستند. در گردهم‌آیی مکتب شیراز، که چند ماه پیش برگزار شد، در مقاله‌ای یک نسخه خطی معرفی شده بود. مؤلف در انتهای معرفی خود نوشته بود که این نسخه دارای چندین مهر است که متأسفانه خوانا نیست و همچنین زمان، کاتب و محل جغرافیایی آن مشخص نیست. در آنجا متوجه شدم که یکی از مهرهایی که در این نسخه هست، مهر بایزید دوم است و او دست‌نویس تألیف این کتاب را برای کتابخانه خودش داده بود، یعنی فقط شناسایی یک نقش مهر زمان و مکان جغرافیایی آن نسخه را مشخص می‌کند و با کمی دقت حتی می‌توان کاتب آن را هم مشخص کرد.

**شکرالهی:** کتابخانه مجلس و همکاران تلاش می‌کنند هرچه زودتر ویرایش جدیدی از فهرست‌ها را عرضه کنند اگرچه ممکن است آن کمال مطلق در آن نباشد، زیرا همه کارها یک کمال نسبی دارد و آیندگان هستند که آنها را به کمال مطلق نزدیک می‌کنند. نویسنده تاریخ زبان چینی در ابتدای کتاب خود گفته اگر من می‌خواستم صبر کنم تا همه تقایص کتابم برطرف شود، هیچ‌وقت این کتاب نوشته نمی‌شد.

همه در این جهان معیوب هستند

ولی با این معایب خوب هستند.

برای همه شما آرزوی موفقیت می‌کنم.